

گفت‌وگو با «بابک اطمینانی» به بهانه نمایشگاه «گهواره‌ی زمان»

چه وقت انسان شدم؟

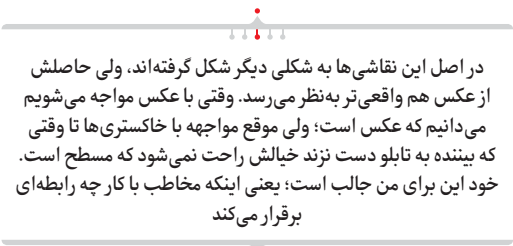


عکس: مهدی نعمت

نمی‌توانم توضیح دهم هنر به‌مثابه «یک چشمه جوشان در درونش جوشید» و باعث شد که این من به‌خودآمده به «من خالق» تبدیل شود؛ یعنی اگر تا قبل از این حادثه صرفا ابزار می‌ساخت تا شکار کند و امورات مربوط به غریزه‌اش را ارضا کند، با اتفاقی مواجه شد که بخشی دیگر از غریزه‌اش را بیدار کرد که غریزه هنرمندانه‌اش بود.

❧ که همان تبلور خودآگاهی است؟ یعنی شکل بیانی خودآگاهی است؟
بله، درست است؛ ولی این خودآگاهی احتمالا قبل‌تر هم وجود داشته؛ منتها مدرکی که نشان دهد از چرخه هستی جدا شده، نیست. وقتی می‌گویم «از چرخه هستی جدا شده» منظور این است که در درونش «من» به‌عنوان مفهوم من و بیرون از من شکل گرفت؛ منتها وقتی شروع به کشیدن نقش‌ها روی دیوار غارها می‌کند، زمانی است که وجهی دیگر در درونش بروز می‌کند که خالق‌بودنش است و تاریخ را تغییر می‌دهد؛ چون آنجاست که به نظر من پیشرفت تاریخ اندیشه، تمدن، صنعت به شکل دیگری تغییر می‌کند.

❧ ولی همین موضوع این اس‌کان را می‌دهد که ببیند و شروع کند به تصویرکردن محسوساتی که می‌بیند؛ یعنی این روند به یک معنی ادراک‌کردن خود هم بوده. شما در گفت‌وگوی‌تان با مجله هنگام به عنینت‌گرایی فیزیک نیوتنی اشاره می‌کنید که انگار من را از دیگری جدا می‌کند. به‌نظر می‌آید که در باور شما باید از این عبور کنیم؛ چون من و دیگری وجود ندارد و من باید با آن



دیگری یکی شوم؟ که احتمالا دیگری می‌شود محیط و بیرون از من.
به یک معنی حرف شما درست است. در «۱۳ پاسخ» روی سخنم با هنرمند است و بحثم این است که یک رسالت تازه برای هنرمند قائل شوم که –هنرمند به‌عنوان یک انسان آگاه چنانچه رابطه‌ای خلاق با ابزار و مواد برقرار بکند – کاری که قاعدتا باید بکند – خلاقیت نیرویی را درونش رها می‌کند که او کمک می‌کند تا امر زیبا را خلق کند. وقتی انسان با امر زیبا مواجه می‌شود یک میدان انرژی بین فرد (مخاطب) و امر زیبا برقرار می‌شود که نیروی جاذبه است. من همیشه فکر کرده‌ام که چگونه یک تابلو یا منظره نگاه را به سمت خودش جذب می‌کند. همه این فکرها به اینجا منتهی شد که فکر کنم زیبایی یک نیروی جاذبه بین مخاطب و اثر یا بین مشاهده‌کننده و مشاهده‌شونده است. این نیروی جاذبه به‌واسطه نیروبودنش دو کار می‌کند: اول اینکه انسان با آگاهی انسان را به درون خودش می‌مکد و متقابلا از درون چشم انسان زیبایی وارد می‌شود. من معتقدم که انسان به‌جز کالبد فیزیکی‌اش کالبدی‌اش غیر فیزیکی دیگری هم دارد که فرکانس‌ها و طول‌موج‌های مختلف هستند. زیبایی ای که از طریق چشم و گوش – اگر موسیقی باشد – وارد این کالبد‌ها می‌شود و شروع می‌کند به تأثیرگذاری که منجر به گسترش آگاهی آن انسان می‌شود و مرتبه وجودی آن انسان را تغییر

بوم خاکستری

خیام و هنر معاصر

شرق: نمایشگاه گروهی «اسرار ازل، خیام و هنر معاصر» در گالری راه ابریشم درحال برگزاری است.آثاری از صابر آثر، شهیار احمدی، پویا آریانی‌پور، فرح اصولی، ه‌اوار امینی، محمود بخشی، رعنا جوادی، بزرگمهر حسین‌پور، ناهید حقیقت، ابراهیم حقیقی، بهرام دبیری، لیلی درخشانی، مصطفی دشتی، فرنناز ربیعی‌جاه، حامد رشتیان، مریم زندی، احمد زهادی، جلال سپهر، فرحناز شریفی، شوانیر، بهرام شیردل، شاهد صفاری، گلناز طاهری، سمیرا علیخ‌نژاده، شادی قدیریان، بابک کاظمی، مجید کورنگ‌بهشتی، بهمن کیارستمی، عباس کیارستمی، رضا کیانیان، پری‌پوش گنجی، فرشید مثقالی، مهرداد محب‌علی، حسین محجوبی، احمد مرشدلو، تهمنیه منزوی، شهره مهران، هومن مهدی‌زاده‌جعفری، نیکزاد نجومی، ابراهیم نوروزی، مهشید نوشیروانی، کیژلا وارگاسینیایی، مهدی وثوق‌نیا، مهسا وحدت و هادی هژاوه‌ای در این نمایشگاه به نمایش درآمده است. این نمایشگاه تا ۱۶ بهمن در گالری راه ابریشم به نشانی بلوار کشاورز، بین قدس و وصال شیرازی، ساختمان گریموآر، شماره ۲۱۰ در حال برگزاری است. این گالری شبانه تعطیل است.

بارداری ساکن

نمایشگاه بارداری «ساکن» از شنبه، ۱۹ دی در گالری AG برگزار شده است. علی زنجانی درباره این نمایشگاه چنین نوشته است: «چند سالی است پروژه‌هایی را با استفاده از تصاویر آرشیوی سینما، تلویزیون و اخبار ارائه کرده‌ام و نگاهی در باب عکاسی و چرخه استفاده از تصاویر موجود را دنبال می‌کنم. عکاسی پیش‌زمینه‌ای برای سینما و تلویزیون بوده. این پروژه‌ها، تصاویر بازپاقتی است که از آرشیوهای دورریخته‌شده شبکه‌های تلویزیونی جمع‌آوری شده و دوباره به چرخه عکس و عکاسی بازگشته. تجربه‌ای که در نمایشگاه‌های اخیر داشتم، نگاه‌های متفاوت مخاطبان از تصاویر «ثابت» بود چراکه تصاویر متحرک (فیلم) ذهن مخاطب را به دنبال یک هدف و اتفاق می‌کشاند ولی در تصاویر ثابت مانند عکس، مخاطب خود، مختار به برداشت آزاد از تصویر است.»درباره آثار به‌نمایش گذاشته‌شده نیز چنین آمده است: «عنوان بارداری «ساکن» در ادامه از آن خودسازی تصاویر از فیلم‌های ۱۶میلی‌متری پیداشده از آرشیوهای سینمایی، آموزشی و ورزشی است که سابقا متعلق به «رادیو تلویزیون ملی ایران» بوده است. این شیوه استفاده از تصاویر موجود، همان‌طورکه در نماز موجود، هنرمند با آن‌ها چنانچه برخورد می‌کند، به آن‌ها نگاه می‌کند. در تمام ۲۲ فریم انتخاب‌شده پنهان است و دختر جوان هرگز به لحظه ربایی از وضعیت خود نمی‌رسد.»علی زنجانی متولد ۱۳۶۵ در اصفهان و تحصیل‌کرده رشته طراحی فرش از دانشگاه هنر اردکان است. مجموعه بارداری «ساکن» شامل ۳۲ اثر در ابعاد مختلف است. بخشی از این مجموعه در نمایشگاه گروهی «ایران و رپو» در گالری لارکو داس‌آرتس (ریودوآنبیرو، برزیل) در سال ۱۳۹۳ برای اولین‌بار ارائه شد. نمایشگاه بارداری «ساکن» تا چهارشنبه، ۱۴ بهمن در گالری AG واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از چهارراه پارکوی، خیابان پسیان، شماره سه در حال برگزاری است.

❧ واکش‌ها از جلد اول قربانیان جنگ چطور بود و چرا به سراغ موضوع‌های دیگر نرفتید؟
به‌نظرم عکس‌ها تأثیر خود را گذاشته بودند و سازمان صلیب سرخ که یک سازمان بی طرف است وقتی متوجه بی‌طرفانه‌بودن عکس‌ها، انسان‌های بودن و نبود دیدگاه سیاسی در آنها شد، از کار حمایت کرد و کتابم چاپ شد. خوشبختانه سه‌هزار و ۵۰۰ جلد آن در کمترین زمان ممکن فروش رفت. مهم این بود که من نغدغه‌ای را مطرح کردم و هنوز هم دنبال آن هستم که به سرنوشت همه ما گره خورده است. من با عکس‌هایم مبلغ یک اتفاق مقدسی در زندگی انسان‌ها به نام صلح هستم و می‌خواهم بگویم جنگ بدترین تجربه بشریت و صلح، تجلی بهترین رفتار انسان‌هاست. من در این راه حرکت می‌کنم.

❧ چطور اعتماد قربانیان جنگ را به‌دست آوردید؟
یک مثلی را فرض کنید که وجدان، انسانیت و قلبم را در به صلح آن گذاشته‌ام؛ چون وقتی وجدان داشته باشم به قضیه انسانی نگاه می‌کنم و در این صورت است که از ته قلبم به موضوع نزدیک می‌شوم و سوژه‌هایم، جزئی از خانواده‌ام می‌شوند. در نتیجه آنها هم به من اطمینان می‌کنند.

❧ پروژه بعدی‌تان چیست؟

نسل سوم قربانیان جنگ را بعد از ابتدای سال ۹۵ کلید می‌زنم.

آونگ

برداشت‌های کوتاه در باب هنر معاصر

از کدام سیاره آمدمی



علیرضا امیرخاجی

بر مبنای تجربیات شخصی خودم وقتی با هنر زمینی (Land Art) آشنا می‌شوید، یا در سطحی نازل‌تر آن‌گاه که با طراحی محیطی درگیر می‌شوید، الزاما باید به زمین، خاک، آب‌وهوا، شرایط جوی و بسیاری دیگر از پدیده‌های طبیعی توجه بیشتری کنید. در هنر زمینی این تنها شما نیستید که درباره اثرتان تصمیم می‌گیرید، بلکه طبیعت نیز دست به کار تأثیرگذاری روی اثرتان می‌شود. اکثر هنرمندانی که تمایل به کار در طبیعت دارند، با مسائل زیست‌محیطی هم درگیر می‌شوند. درگیرشدن، شوق و علاقه به طبیعت و زمین همانا، تکران‌شدن همان.

اگرچه شکل‌گیری هنر زمینی پست‌مینی‌مال در آمریکا و سپس اروپا در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، خود واکنشی علیه تسلط بازار سرمایه در هنر بود اما داستان وجه پنهان دیگری هم داشت و آن دغدغه‌ها و نگرانی‌های زیست‌محیطی بسیاری از هنرمندان شاخص بود. در اینجا نمی‌خواهم روائیگر (تاریخی) اقدامات هنرمندان مینی‌مالیست در زمینه مبارزه با آلودگی‌های زیست‌محیطی باشم. این فقط ار جاعی است به اتفاقاتی در قرن بیستم که متأسفانه چنان تأثیر بزرگی هم روی افکار و اذهان عمومی نداشت. نتیجه این بی‌توجهی به کانسبت‌های طبیعت‌گرایانه هنرمندان مذکور و به طور کل تمام نخبگانی که حنجره خود را برای زمین و محیط زیست پاره کردند، همین است که درحال‌حاضر می‌بینیم. آلودگی شدید محیط زیست، گرم‌شدن ناگهانی کره زمین، آشد‌بن یخ‌های قطب شمال و در پی آن تغییرات غیرقابل‌کنترل اقلیمی.

هنوز این مسائل پای‌های و حساس تبدیل به موضوع اصلی مردمان زمین نشده است. اگر «جریان اصلی رسانه‌ای» قصد پرداختن به مسائل زیست‌محیطی را داشته باشد، مردم هم توجهی نشان می‌دهند و اگر نه، سوژه اصلی (از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تا امروز) همان مسئله تروریسم بوده و هست.

امسال در نشست جهانی اقلیمی پاریس، بالاخره تصمیماتی هرچند اندک در زمینه کنترل گرمایش زمین گرفته شد. این در حالی بود که جهان از اقدامات تروریستی در پاریس که باعث کشته‌شدن صدها انسان بی‌گناه شده بود، کاملا حیرت‌زده بود. بسیاری از برنامه‌های گروه صلح سبز و سایر نهادهای مدافع زمین لغو شد و درنهایت چند نفر از فعالان صلح سبز دستگیر شدند. طرح چیدمان کفش‌های شهروندان (از جمله کفش‌های پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان) در اعتراض به گرم‌شدن زمین هم آن‌طورکه قرار بود، به‌درستی اجرا نشد. چیدمان قطعه‌یخ‌های قطب شمال (گرین‌لند) توسط اולفار الیاسون در میدان پانتئون پاریس زیبا، تأثیرگذار اما کم‌پا‌ت‌اب بود. هنر معاصر جهان حرف‌های زیادی برای گفتن در زمینه گرمایش زمین و بحران‌های زیست‌محیطی دارد اما یک پیام دارای مبدا و مقصد است. یک پیام، یک هنرمند و



میلیاردها مخاطب در سراسر جهان. طبیعتا کار سختی است. دلیل این سختی، عام و سراسری‌بودن مقوله‌های زیست‌محیطی است و همچنین چندلایه‌بودن آن. سوژه‌های زیست‌محیطی از گرمایش، بیابان‌زایی، بحران آب، نابودی جنگل‌های حاره‌ای آغاز می‌شود و تا شکار بی‌رویه آبزیان زیبایی چون نهنگ‌های غنبر در شرق آسیا و نیز بحران زباله‌های شیمیایی و اتمی ادامه می‌یابد. همین چندلایگی باعث می‌شود خرده‌مدیریت‌هایی در زمینه آموزش و انتقال داده‌ها با مشکلات بزرگی مواجه شود. عدم دسترسی عموم به منابع اطلاعاتی/ رسانه‌ای، نبود یک عزم عمومی/ جهانی و درگیری بخش‌های تأثیرگذار جهان با مسائلی مانند تروریسم و مهاجرت باعث شده هنرمندان نیز نتوانند ایده‌های خود را آن چنان که مناسب است، ارائه دهند.

اقدام در زمینه تحرک و بسیج جهانی می‌تواند از منطقه‌های کوچک آغاز شود و به‌تدریج گسترش یابد. یک فکر جهانی و اقدامی منطقه‌ای و بومی، اما هنرمندان حوزه تجربه جسمی و مفهومی می‌توانند وظیفه‌ای بسیار حساس را بر عهده داشته باشند. برعهده‌گیری این وظایف درحال‌حاضر شکلی داوطلبانه دارد اما در آینده شاید تبدیل به امری حیاتی و حتی اجباری شود. پس نباید در انتظار آینده بنامیم. دولت‌ها و حاکمان مشغول داستان‌های دیگری هستند و انتظار چندانی از آنها نمی‌رود. مدیریت بحران آلودگی پایتخت در هفته‌های گذشته نمونه خوبی در این زمینه بود. در چنین وضعیتی حتی همان عکس‌های غیرخبره‌ای از سطح شهر تهران توانست حداقل نشان دهد در چه حال و روزی هستیم.

اقدام در بین تمامی هنرها، عکاسی معاصر (قرن ۲۱) پیش‌تاز پرداختن به مسائل زیست‌محیطی است. البته دلیل این پیش‌تاز بودن، ذات عکاسی به‌مثابه رسانه‌ای عام و چشمگیر است. کمتر به سینما، تئاتر و گالری می‌رویم اما عکس در عصر دیجیتال و شبکه می‌تواند بدون درگیرکردن فیزیکی مخاطب (جابه‌جایی) وی را در لحظه به تصویر و تصور جهان نزدیک کند. می‌گویم نزدیک... زیرا انسان با زیست‌بوم خود به شکلی کلی بیگانه است و گویا در فضایی مجهول زیست می‌کند. سینما هم که به‌طور کل در سوژه‌های استریوتایپیک و کلیشه‌ای متوقف شده، پس چندان انتظاری از اربابان حلقه‌های دیجیتال و ۳۵میلی‌متری نداریم اما پتانسیل مهمی در هنرهای پلاستیک باقی مانده: گروه تجسمی و معماران. معماران از دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی و با مطرح‌شدن نگرش‌های پست‌مدرنیستی توانستند ایده‌های شگفت‌انگیزی را در زمینه حفاظت از محیط‌زیست ارائه دهند. از توکیو تا پاریس، لندن، ریکیاوک و آلاسکا در آن‌سوی آتلانتیک. اکنون اقدام مهم و اصلی تمامی هنرمندان در سراسر جهان می‌تواند این باشد که مقولات زیست‌محیطی را از موضوعی لوکس و تزئینی خارج کرده و آن را تبدیل به نوعی نگرانی جمعی و جهانی کنند.

